

طی هفت روز گذشته چهار کودک در سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی جان خود را از دست داده‌اند؛

این کودکان می‌توانستند زنده باشند



یکی از مسوولان شهرستان ماکو تاکید می‌کند که نامی از او در گزارش برده نشود. او نیز در مورد سانحه مربوط به واژگونی نیشان و کشته شدن سه نفر در جاده بورالان به «اعتماد» می‌گوید: «اکثر روستاهای اینجا عشایرنشین هستند. این بچه‌ها هیچ امکاناتی ندارند و برای رفت و آمد به مدرسه بدون سرویس مانده‌اند. نه مدرسه و نه آموزش و پرورش تا به حال هیچ وسیله نقلیه‌ای در اختیار این بچه‌ها گذاشته‌است. این دانش‌آموزان کنار جاده‌ها می‌ایستند تا به‌طور شانسی یک وسیله نقلیه از راه برسد و آنها را سوار کند. ما چندین بار در جلسات مطرح کردیم؛ وعده وعید می‌دهند، اما هیچ کدام از وعده وعیدهای‌شان هم درست از آب درنمی‌آید. باید برای این دانش‌آموزان سرویس مدرسه به نظر بگیرند، در یک آن هر دو آنها داخل آب می‌افتند. نیم ساعت که می‌گذرد مادرشان متوجه می‌شود خبری از مروان و عبدالله نیست. نگران به سمت رودخانه می‌رود و آنجا متوجه می‌شود بچه‌ها در آب غرق شدند. هیچ کس هم کنار رودخانه نبوده تا آنها را نجات دهد. به من اطلاع می‌دهد. بچه‌ها را به بیمارستان امام علی راسک رساندیم، اما آب زیادی وارد بدن‌شان شده بود. بعد از این حادثه من شکایتی را به کمک دهیار روستا تنظیم

۱۷ فروردین؛ دانش‌آموزی ۹ ساله در روستای «جنبه دراز» بخش احمدآباد در استان خراسان رضوی به خاطر سهل‌انگاری مدیر مدرسه، سرش میان نرده‌های پنجره کلاس گیر می‌کند و خفه می‌شود. گفتنی است که مدیر مدرسه کلاس‌ها را وارسی نکرده بود و مدرسه از حفاظ‌های استاندارد برخوردار نبوده است. ۱ اردیبهشت؛ کودک ۳ ساله اهوازی به خاطر قصور شرکت ایفا داخل چاه فاضلاب سقوط می‌کند و کشته می‌شود.حالا هم که به فاصله چند روز چهار کودک در استان‌های سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی جان‌شان را از دست داده‌اند. «اعتماد» در این گزارش به جزئیات این دو رخداد تلخ می‌پردازد.

پرده اول: ماکو، جاده بورالان
می‌گویند؛ جاده بورالان (واقع در استان آذربایجان غربی) آسفالت است، اما چاله و خرابی زیادی دارد و دانش‌آموزان روستای پنجرلو هر روز باید بیست دقیقه طی کنند تا به مدرسه برسند. این در حالی است که آنها از امکانات مورد نیاز مثل سرویس مدرسه برخوردار نیستند. چهارشنبه گذشته وقتی بهزاد و پیمان؛ دو دانش‌آموز دبستانی به همراه عمو و پدربزرگ‌شان از مدرسه به سمت روستای‌شان برمی‌گشتند ناگهان نیشان آنها در این جاده واژگون می‌شود و این دو دانش‌آموز و پدربزرگ‌شان در این سانحه کشته می‌شوند. دو دانش‌آموز دیگر هم که از اقوام آنها بودند، زخمی می‌شوند و دست و پای‌شان می‌شکند. پدر این دو دانش‌آموز در مورد این حادثه به «اعتماد» می‌گوید: «بهزاد پسر من بود و پیمان برادرزاده‌ام. هر دو کلاس پنجم بودند. ما عشایر هستیم و هیچ امکاناتی نداریم. بچه‌های ما هر روز تا مدرسه باید بیست، سی دقیقه طی کنند تا به مدرسه یا خانه برسند. روز حادثه پدر، عمو و پسرعمویم به همراه بچه‌ها در نیشان بودند تا به روستا برسند، ولی ناگهان ماشین‌شان چپ می‌کند. پسرعمو، پدر و پسرمن کشته می‌شوند. دو برادرزاده‌های دیگر هم دست و پای‌شان شکسته است.»

او در ادامه می‌گوید: «چندین سال پیش هم در همین جاده بر اثر تصادف دو، سه دانش‌آموز کشته می‌شوند. بچه‌های روستا سرویس مدرسه ندارند. این مدرسه را هم تازه درست کردند. اسمش هم مدرسه پربرکت است. قبلا اسمش عمرمختار بود. بچه‌ها هر روز کنار جاده می‌ایستند یا تراکتور می‌آید یا موتور می‌آید یا کامیون می‌آید یا پیکان می‌آید... با اینها به مدرسه می‌روند و برمی‌گردند. ما هیچ امکاناتی نداریم و در منطقه‌ای محروم زندگی می‌کنیم. مسوولان نه جاده را درست می‌کنند، نه سرویس مدرسه برای بچه‌ها می‌گذارند و این قضیه همین‌طور ادامه دارد...»

از ابتدای سال جاری تاکنون دست‌کم ۷ کودک به علت محرومیت و سهل‌انگاری مسوولان فوت شده‌اند
اخبار دردناک منتشر می‌شود و از رادیو، تلویزیون و رسانه‌ها به اطلاع عموم می‌رسد. یکی از این فجایع غم‌انگیز و تکان‌دهنده که شرح آن ورای کلمات است طی هفت روز گذشته برای چهار کودک در دو استان مختلف به دلیل محرومیت و سهل‌انگاری برخی مسوولان پیش آمده است.

در ادامه گزارش خود می‌نویسد: چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت جاری؛ «بهزاد و پیمان ولی‌لو» دانش‌آموزان کلاس پنجم اهل روستای «پنجرلو» بر اثر واژگونی نیشان در جاده بورالان از توابع شهرستان ماکو در استان آذربایجان غربی جان خود را از دست می‌دهند. در این سانحه دو دانش‌آموز دیگر هم به شدت زخمی می‌شوند. این حادثه تلخ به علت نبود سرویس مدرسه و امکانات لازم رخ داده است. یکی از مسوولان این منطقه به «اعتماد» شرح می‌دهد که دانش‌آموزان این منطقه هر روز کنار جاده می‌ایستند تا شانشی یکی آنها را سوار کند و به روستای‌شان برساند...

چهار روز بعد، یکشنبه ۲۴ اردیبهشت جاری نیز دو کودک بلوچ «عبدالله و مروان ابراهیمی» در رودخانه «شکر جنگل» در شهرستان راسک واقع در استان سیستان و بلوچستان غرق می‌شوند. این حادثه غم‌انگیز نیز به دلیل قطعی آب مورد نیاز روستای شکرجنگل رخ داده است. «اسد ریسی‌پور»، دهیار روستای شکرجنگل در مورد این حادثه تلخ به «اعتماد» می‌گوید که پیش از یک ماه است آب این روستا قطع شده و پمپ آب خراب است. چندین بار به مسوولان مربوطه موضوع را گفته‌ایم، اما اعتنا نکرده‌اند. پدر این دو کودک هم از اداره آب و فاضلاب شکایت کرده است.

طبق آمار رسمی منتشر شده؛ در کشور ما بیش از ۲۶ میلیون نفر در محرومیت به سر می‌برند. در مناطق محروم برخی کودکان به خاطر سهل‌انگاری مسوولان قربانی می‌شوند. در اهواز چاه‌های فاضلاب سروش ندارند و ده‌ها کودک در آنها سقوط می‌کنند و جان می‌دهند. در سیستان و بلوچستان ده‌ها کودک در رودخانه و هوتک‌ها می‌افتند و غرق می‌شوند. در مناطق محروم دیگر هم کودکان به دلایلی همچون نبود سرویس مدرسه و... جان‌شان به خطر می‌افتد و کشته می‌شوند. بررسی‌های «اعتماد» نشان می‌دهد از ابتدای سال جاری تاکنون دست‌کم ۷ کودک به خاطر فقر و سهل‌انگاری مسوولان جان خود را از دست داده‌اند. ۱۰ فروردین؛ کودکی ۸ ساله هنگام بازی در پارک شهدای اهواز به خاطر نبود سروش چاه‌های فاضلاب در چاه سقوط می‌کند و جانش را از دست می‌دهد.

چطور جراحان قلبی‌را تشخیص دهیم

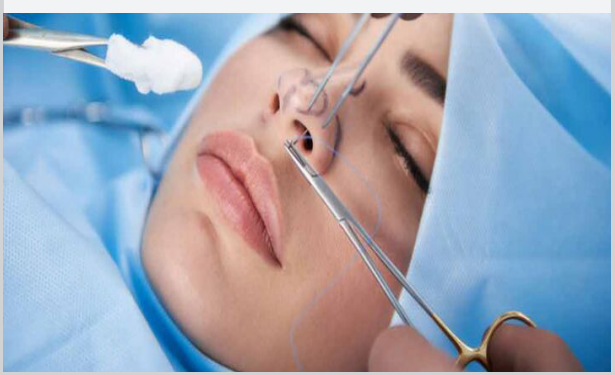
جراحی پلاستیک و زیبایی یکی از رشته‌هایی است که امروزه با توجه به میل و رغبت بسیاری از زنان و مردان، بازار مکاره و داغی دارد و هستند برخی افراد غیر متخصصی که تنها توان فیزیکی نگهداشتن تیغ و قیچی جراحی را دارند و هیچ نشانی از دانش این کار در دهن آنها دیده نمی‌شود؛ اما با اعتماد به نفس به سقف رسیده خود، ادعای بی بدیل بودن می‌کنند.مدام جلوی آینه عضلات صورتش را بالا و پایین کرده و وردناز می‌کند. گاهی بینی‌اش را می‌فشارد و گاهی‌گونه‌هایش را می‌کشد و ضخامت لب‌هایش را می‌سنجند.انگار که تمام زندگی‌اش، زوررفتن با بینی و بالا و پایین کردن عضلات و ماهیچه‌های صورتش است. چند وقتی است که بد جور وسوسه یک صافکاری و نقاشی بدن وجودش را گرفته و برای اینکه از دایره دوستان پای کار خود عقب نماند، سخت دنبال فرصتی برای این کار است.در دانشگاه دوستان و هم‌کلاسی‌هایش یکسره صحبت جراحی

زیبایی می‌کنند و هر کدام نظرات به اصطلاح کارشناسی می‌دهند. یکی از چاق بودن بینی‌اش شکوه دارد و آن یکی از افتادگی پلک و دیگری از نقاط دیگر بدنش... با آنکه هنوز دانشجویست و خودش استقلال مالی ندارد، اما سخت به دنبال متقاعد کردن پدرش هست تا بتواند پولی به جیب بزند و او هم از دایره جراحی کرده‌های زیبایی خارج نماند.

البته این داستان فقط مخصوص جوانان دانشجو و مجرد نمی‌شود و تب این کار دامن بسیاری از خانواده‌ها را گرفته است. همساک که کارمند یک شرکت خصوصی است نیز چند وقتی است از بی توانی دو طرف بدنش شاکی است و مدام روی اعصاب همسرش رژه می‌رود که الا و بالا باید بروم جراحی پلاستیک. خلاصه انکار که هیچ کسی از قیافه خدادادی‌اش راضی نیست.

جراحی زیبایی قدیمی است؟

در اسناد تاریخی، مشخص شده است که چیزی در حدود ۴۰۰۰ سال پیش،



انسان‌های اولیه از ابزاری برای اصلاح جراحات‌های موجود و عمل زیبایی صورت استفاده می‌کردند. همچنین در قرن ۱۶ میلادی و پس از همه گیری بیماری آبله در اروپا، بسیاری از پزشکان تکنیک‌هایی را برای برطرف کردن ناهنجاری‌های به جا مانده از این بیماری، کشف کردند.

همه انسان‌ها از دیدن زیبایی لذت می‌برند و در عین حال، دوست دارند زیبا دیده شوند. ما در دورانی زندگی می‌کنیم که پیشرفت چشمگیر علم بشری، زمینه ساز پیدایش جراحی‌های فراوان زیبایی

عضو بورد تخصصی کاردرمانی هشدار داد؛

زنگ خطر افزایش ناتوانی در کشور

هر ۲۰ کودک زیر ۱۵ سال، یک نفر درگیر ناتوانی شدید یا متوسط است و این موضوع بیانگر اهمیت اقدامات توانبخشی و به ویژه کاردرمانی برای این گروه‌های سنی است. ضمن آنکه باید تأمین امکانات آموزشی، ملاحظات اجتماعی، درمان‌های توسعه‌ای به موقع، آموزش و آگاهی بخشی به خانواده، حمایت روحی و روانی متناسب خانواده، مناسب سازی محیط، مداخلات درمانی زودهنگام و حوزه‌های مختلف مورد توجه قرار بگیرد.
مهربان با اشاره به اینکه افزایش تصادفات رانندگی، بلایای طبیعی، بیماری‌های مزمن و... نیز موجب تشدید ناتوانی‌ها به ویژه در کشورهای در حال توسعه است، تأکید کرد: با افزایش سن، ناتوانی‌ها و بیماری‌های زمینه‌ای مزمن نظیر چاقی، فشار خون و... بیشتر می‌شود که باید مورد مراقبت قرار بگیرند.
عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران با تأکید بر نقش پیشگیری در بروز انواع ناتوانی‌ها، اظهار داشت: بحث پیشگیری به ارتقای سلامت خانواده کمک می‌کند، نظیر

جامعه آغاز

شنبه ۳۰ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۲

سال دوازدهم

شماره ۱۶۴۵

کردم و تحویل فرمانداری دادم. شکایتم هم علیه شرکت آب و فاضلاب است.»او در ادامه توضیح می‌دهد: «هیچ کس ماجرا را پیگیری نمی‌کند. اگر آب روستا را قطع نمی‌کردند بچه‌های ما مجبور نبودند کنار رودخانه بروند و این بلا سرشان بیاید. نباید به خاطر سهل‌انگاری و خطای مسوولان مربوطه دو پسر ۸ و ۹ ساله من که در مدرسه درس می‌خواندند از مدرسه بیایند و برای برداشتن آب به کنار رودخانه بروند و جان‌شان را از دست بدهند! باید دادرسی باشد.»او در پاسخ به سوالی درباره اینکه آیا اطراف رودخانه حفاظ ندارد؟ می‌گوید: «اینجا ما چیزی نداریم. آب برای خوردن و کارهای دیگر نداریم چه برسد به حفاظ.»«اسد ریسی‌پور»، دهیار روستای جنگل نیز در مورد حادثه غم‌انگیزی که برای این دو کودک بلوچ رخ داده است به «اعتماد» می‌گوید: «این دو کودک برای آوردن آب آشامیدنی کنار رودخانه رفته بودند که این اتفاق برای‌شان می‌افتد. مادرشان هم تا به خودش می‌آید آنها غرق شده بودند. بعد از ماه رمضان آمدند پمپ را نصب کردند، اما تا الان آب روستا وصل نشده است. در این مدت من به اداره آب، بخشداری و فرمانداری مراجعه کردم اما نتیجه‌ای نگرفتم. از همان ابتدا گفتند؛ صبر کنید. الان از صبر ما حدود بیست روز می‌گذرد، ولی هیچ خبری نیست. واقعا یک روز بدون آب نمی‌توان زندگی کرد. آبی هم که در اختیار قرار دادند اهالی روستا مجبور هستند، استفاده کنند. اگر به شما بگویند از این آب استفاده کنید قطعاً این کار را نخواهید کرد.»

دهیار روستای جنگل‌شهر به سوال آخر این‌گونه پاسخ می‌دهد .

پدر این دو کودک می‌گوید که با کمک شما شکایتی را علیه اداره آب و فاضلاب تنظیم کرده است. درست است؟

این خانواده چه شکایت کنند چه نکنند اینجا کسی رسیدگی نمی‌کند. کاری از دست دهیار و شورا برمی‌آید.

سالانه دست‌کم ۲۰ کودک بلوچ بر اثر غرق‌شدگی جان‌شان را از دست می‌دهند

ستان سیستان و بلوچستان از جمله استان‌های محروم کشور است. در این منطقه کودکان در معرض انواع خطرها قرار دارند. گزارش‌ها حاکی از آن است مناطقی که در استان سیستان و بلوچستان از شبکه آب‌رسانی و لوله‌کشی محرومند با آمار بیشتری از غرق‌شدگی کودکان روبه‌رو هستند .طبق بررسی‌های «اعتماد» از آمار منتشر شده رسمی، سالانه دست‌کم ۲۰ کودک بلوچ در هوتک‌ها (گودال‌های آب) و رودخانه‌ها غرق می‌شوند.

اینکه خانواده‌ها بداندند که در باروری، باید به چه مواردی دقت نظر داشته باشند.مهربان افزود: آشنایی با رشد طبیعی کودکان و رشد بازی کودک که از تخصص‌های کاردرمانی است، باید به خانواده‌ها، آموزش داده شود تا اگر کودک نشانه‌هایی از اختلال دارد، سریعاً به کاردرمانگر مراجعه کنند و کودک و خانواده تحت مراقبت و مداخلات مؤثر، قرار بگیرند.عضو بورد تخصصی کاردرمانی کشور تصریح کرد: مداخلات سطح دوم، مختص افرادی است که مبتلا به بیماری شدند و تشخیص بیماری، محرز شده است و باید تحت مراقبت باشند و تست‌های تخصصی کاردرمانی در حوزه اطفال را برای آنان به کار بگیریم.مهربان همچنین با اشاره به اهمیت اختلالات عصبی رشدی نوزادان، ابراز امیدواری کرد که در اولین سمینار تازه‌های بالینی کاردرمانی با محوریت اختلالات عصبی رشدی، با بهره گیری از مباحث تخصصی پنل‌ها نظیر اهمیت و ضرورت درمان زودهنگام در روند تکامل نوزادان و شیرخواران، توانمندسازی والدین نوزادان بستری در بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان و تمرکز بر بخش مراقبت‌های ویژه نوزادان، بتوانیم شاهد نتایج خوبی در ارائه خدمات کاردرمانی باشیم.



که مسئولیت شناسایی خانواده های نیازمند، خرید و فروش، اجاره یا فریب کودکان در افغانستان ، قاچاق و انتقال غیر قانونی آنها به ایران و به کارگیریشان در مشاغل خاص را بعهده دارند.

هسته این جریان قاچاق در داخل افغانستان شکل می گیرد و متأسفانه میزان نفوذ و گستردگی فعالیت این جریان به قدری عمیق است که بسیاری از حوزه های داخلی بخصوص دستگاههای عمومی را هم آلوده و همراه کرده است. نمونه آن کودکان زباله گرد هستند که در سخت ترین و دشوارترین شرایط کار و زندگی می کنند، این کودکان در واقع قربانیان قاچاق کودک هستند.

اخیر افزایش یافته اما همچنان نسبت و تعداد کودکان کار اتباع خارجی بسیار بیشتر از کودکان ایرانی است.»

باندهایی برای کار کودکان ایجاد شد

آنطور که فاطمه اشرفی می گوید، یک زمانی باور نداشتیم که پدیده کار کودکان با هدایت و کنترل شبکه های سازمان یافته انجام شود، اما در حال حاضر بخصوص در بخش اتباع خارجی با شواهدی روبرو هستیم که جایبای، هدایت و کنترل کودکان را بعهده دارد.

فاطمه اشرفی معتقد است:«گردش مالی درآمدهای ناشی از کار کودکان و بخصوص تفاوت درآمدها در ایران و افغانستان موجب شکل گیری اقدامات و رفتارهای سازمان یافته ای شده